

تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۷	تاریخ	۱۴۰۰/۰۶/۲۹
عنوان ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات				
عنوان ۲	مبحث ششم: تجری				
عنوان ۳	مطلب اول: حرمت یا عدم حرمت فعل متجری به				
عنوان ۴	بخش اول: ادله ثبوت حرمت فعل متجری به				
عنوان ۵	دلیل چهارم: آیات و روایات				
عنوان ۶	روایاتی که دلالت بر نفی عقاب بر صرف نیت دارند				

روایاتی که دلالت بر نفی عقاب بر صرف نیت دارند

از مباحث گذشته نتیجه گرفتیم که هیچ یک از روایات یا آیاتی که به آنها برای اثبات حرمت تجری تمسک شده یا ممکن است تمسک شود، دلالت بر حرمت تجری ندارند.

علاوه بر این، روایات زیادی وجود دارد - که فوق حد استفاضه است - که به صراحت دلالت بر این دارند که بر صرف قصد معصیت، عقابی نیست و خدای متعال، کسی را بر صرف قصد معصیت عقاب نمی کند. این روایات متعدد و فراوان است و تقریباً تمام این روایات صحیحه اند و دلالتشان نیز روشن و احیاناً صریح است؛ از جمله صحیح زرارہ:

عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَدَمَ فِي ذُرِّيَّتِهِ أَنْ مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ وَعَمِلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا وَمَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ وَمَنْ هَمَّ بِهَا وَعَمِلَهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ!»؛

از دو امام باقر و یا صادق ع حدیث کند که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی برای آدم در فرزندانش مقرر ساخته که هر که قصد کار نیکی کند و آن کار را نکند، برای او یک حسنه نوشته شود، و هر که آهنگ کار نیکی کند و آن کار را انجام دهد، برای او ده حسنه نوشته شود، و هر که قصد کار بد کند و آن را انجام ندهد، بر او نوشته نشود، و هر که قصد آن کند و انجام دهد یک گناه بر او نوشته شود.

ظاهراً «هَمَّ» بیش از قصد است، بلکه حتی انجام برخی مقدمات را نیز شامل می شود. این روایت صریح در این است که «وَمَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ»؛ یعنی مؤاخذه و حسابی بر صرف نیت معصیت نیست.

روایت دیگری را نیز مرحوم کلینی رحمته الله علیه قریب به همین مضمون به سند صحیح روایت می کند.^۱
روایت سوم، صحیح‌ه ابی بصیر است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رحمته الله علیه قَالَ: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَهُمُّ بِالْحَسَنَةِ وَلَا يَعْمَلُ بِهَا فَتُكْتَبُ لَهُ حَسَنَةٌ وَإِنْ هُوَ عَمِلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَهُمُّ بِالسَّيِّئَةِ أَنْ يَعْمَلَهَا فَلَا يَعْمَلَهَا فَلَا تُكْتَبُ عَلَيْهِ»^۲؛

امام صادق رحمته الله علیه فرمود: مؤمن اگر قصد کار خوب کند ولی به آن عمل ننماید، برای او یک حسنه نوشته شود و اگر به آن عمل کند، برایش ده حسنه نوشته شود و اگر مؤمن قصد کار بد کند و آن را نکند بر او چیزی نوشته نشود.

این روایت نیز صراحت دارد در اینکه بر صرف نیت عقاب بار نمی شود.

روایت چهارم: روایتی است که حسین بن سعید اهوازی در کتاب الزهد - که متواتر است - نقل می کند:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رحمته الله علیه قَالَ: «إِذَا هَمَّ الْعَبْدُ بِالسَّيِّئَةِ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ وَإِذَا هَمَّ بِحَسَنَةٍ كُتِبَتْ لَهُ»^۳؛

امام صادق رحمته الله علیه فرمود: اگر بنده قصد گناه کند چیزی بر او نوشته نمی شود، ولی اگر قصد کار نیک و حسنه‌ای کند، برایش ثبت می گردد.

این روایت نیز صراحت دارد بر اینکه قصد حرام و نیت حرام بدون ارتکاب خود عمل حرام، موجب مؤاخذه و موجب عقاب نیست.

مرحوم صدوق رحمته الله علیه به سند صحیح^۴ روایت می کند:

۱. همان؛ ح ۸.

۲. همان؛ ح ۷.

۳. همان؛ ۱۰.

۴. ما این سند را صحیح می دانیم هرچند محمد بن موسی بن المتوکل توثیق صریحی ندارد، اما چون از مشایخ صدوق است و صدوق یکنفر الروایة عنه، و یکنفر ترضی علیه، [لذا این روایت را صحیح می دانیم] و در محل خود گفته‌ایم که ترضی صدوق، نه تنها دلالت بر توثیق دارد، بلکه اقوای از توثیق است؛ و اینطور نیست که صدوق به هر کسی «رضی الله عنه» بگوید؛ صدوق، محدث و عالم به قرآن و حدیث است، وقتی «رضی الله عنه» می گوید، نظر به آن چیزی دارد که در قرآن کریم آمده؛ و این غیر از «رحمه الله علیه» و امثال اینهاست، و این عبارت یک عرف اصطلاحی است که مأخوذ از آیات قرآن است که می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ»؛ (آما) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدا) یند! * پاداش آنها نزد پروردگارشان باغ‌های بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می مانند! [هم] خدا از آنها خشنود است و [هم] آنها از خدا خشنودند؛ و این [مقام والا] برای کسی است که از پروردگارش بترسد؛ [سوره بینه: ۷ و ۸]. این عبارت هم در استعمالات قرآنی و هم در استعمالات روایی تنها به کسانی گفته می شود که از لحاظ عمل و زندگی، کسانی هستند که مرضی خدای متعال اند و اینطور نیست که به هر کسی «رضی الله عنه» بگویند؛ حتی اهل سنت نیز که به ←

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَلَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ حُمُرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ فَإِنْ عَمِلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَيُضَاعَفُ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ وَ مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ حَتَّى يَعْمَلَهَا، فَإِنْ لَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ بِتَرْكِهِ لِفِعْلِهَا وَإِنْ عَمِلَهَا أُجِّلَ تِسْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ تَابَ وَنَدِمَ عَلَيْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ يَتُبْ وَلَمْ يَنْدَمْ عَلَيْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ^۲؛

حمزه بن حمران از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمودند: کسی که تصمیم به انجام کار خوبی گرفته باشد، اما آن را انجام ندهد، برای او یک کار خوب نوشته می‌شود، پس اگر تصمیم کار خوب را عملی سازد، ده ثواب خواهد داشت و خداوند برای هرکسی که بخواهد تا هفتصد ثواب می‌نویسد و کسی که تصمیم به انجام گناه داشته باشد، تا انجام نداده است، گناهی بر او نوشته نمی‌شود، اما اگر آن را انجام ندهد، برای او به خاطر این که کار زشتی را ترک کرده است، یک کار خوب نوشته می‌شود و اگر آن را انجام دهد، تا نه ساعت به او فرصت داده می‌شود، که اگر توبه کرده و پشیمان شود، چیزی بر او نوشته نمی‌شود و اگر توبه نکرد و نسبت به آن کار پشیمان نشد، یک گناه نوشته می‌شود.

در این روایت نیز تأکید شده است که هم به سیئه بدون ارتکاب عمل، مجازات و عقابی ندارد. این را ما در مباحث تفسیری، در باب فضل رحمت آورده‌ایم که یکی از مصادیق فضل رحمت، امحال است؛ یعنی کسی مرتکب سیئه‌ای می‌شود، چند نوع امحال وجود دارد که امحال نوع اولش این است که تا هفت و در برخی روایات تا ۹ ساعت^۳ به او فرصت توبه می‌دهند.

روایت دیگری حمیری در قرب الإسناد است که سند آن نیز صحیح است:

عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: «لَوْ كَانَتِ النَّيِّاتُ مِنْ أَهْلِ الْفِسْقِ يُؤَخَّرُ بِهَا أَهْلُهَا، إِذَا لَأُخِّدَ كُلُّ مَنْ نَوَى الزَّيْنَةَ بِالزَّيْنَةِ وَكُلُّ مَنْ نَوَى السَّرِقَةَ بِالسَّرِقَةِ وَ

→ برخی صحابه «رضی الله عنه» می‌گویند، مبتنی بر آن نظریه‌شان است که «کُلُّ مَنْ صَحِبَ رَسُولَ اللَّهِ وَهُوَ عَادِلٌ» لذا به آنها «رضی الله عنه» می‌گویند.

۱. شاید اشاره به همان آیه کریمه قرآن است که می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد [و شایستگی داشته باشد]، دو یا چند برابر می‌کند؛ و خدا [از نظر قدرت و رحمت]، وسیع، و [به همه چیز] داناست [سوره بقره: ۲۶۱].

۲. التوحید؛ ص ۴۰۸؛ وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمة العبادات، باب ۶، ح ۲۰.

۳. که این ممکن است همین ساعات مرسوم نزد ما باشد زیرا در برخی روایات داریم که شب و روز ۲۴ ساعت است؛ و ممکن است مراد این باشد که ۹ بار به او فرصت و زمان توبه داده می‌شود؛ در بسیاری روایات هم فرصت به معنای «جزء من الزمان»، فرصت و لحظه آمده است؛ نه الزاماً جزء خاص از زمان؛ که ۹ بار به ذهنش می‌آید که این گناه را انجام داده و ۹ بار فرصت توبه به او داده می‌شود.

كُلُّ مَنْ نَوَى الْقَتْلَ بِالْقَتْلِ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَدْلٌ كَرِيمٌ لَيْسَ الْجَوْرُ مِنْ شَأْنِهِ وَ لَكِنَّهُ يُثِيبُ عَلَى نِيَّاتِ الْخَيْرِ أَهْلَهَا وَإِضْمَارَهُمْ عَلَيْهَا وَلَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْفُسْقِ حَتَّى يَفْعَلُوا^۱؛

اگر فاسقان به نیت هایشان بازخواست می شدند، در این صورت، هرکس نیت زنا می کرد، به زنا و هرکس نیت دزدی می کرد، به دزدی و هرکس نیت کشتن می کرد، به کشتن بازخواست می شد، ولی خداوند، عادل حکیم است و ظلم، از شأن او به دور است؛ اما نیکوکاران را بر پایه نیت های خویشان و بر پایه نیت های خوبی که پنهان داشته اند، پاداش می دهد و بدکاران را تا زمانی که کار بد انجام نداده اند، بازخواست نمی کند.

این روایت صریح در این است که انسان، به صرف نیت گناه، مؤاخذه نمی شود.

در این روایات اضافاتی نسبت به روایات سابقه وجود دارد؛ یک اضافه اش این است که در این روایت، تصریح به عدم مؤاخذه آمده است؛ دیگری این است که لفظ «نیت» آمده، نه لفظ «یهم» و امثال آن (که در «یهم» ممکن است این شبهه مطرح شود که هم به شیء، مجرد نیت نیست، بلکه نیت و اقدام به مقدمات است)؛ مطلب سومی که در این روایت آمده که از مطالب قبلی مهم تر است این است که از روایت استفاده می شود که عقاب بر صرف نیت، جور است و عدم عقاب بر صرف نیت، عدل است؛ لذا می فرماید: «وَلَكِنَّ اللَّهَ عَدْلٌ كَرِيمٌ لَيْسَ الْجَوْرُ مِنْ شَأْنِهِ»؛ و این اشاره به حکم عقل دارد؛ یعنی نه تنها شرعاً بر صرف نیت عقاب بار نمی شود؛ عقلا هم شایسته نیست که بر صرف نیت عقاب بار شود.

روایت دیگری که سند آن نیز اجمالاً معتبر است البته جای بحث هم دارد:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَلَكَيْنِ هَلْ يَعْلَمَانِ بِالذَّنْبِ إِذَا أَرَادَ الْعَبْدُ أَنْ يَفْعَلَهُ أَوْ الْحَسَنَةَ فَقَالَ رِيحُ الْكَنْيَفِ وَالطَّيِّبِ سَوَاءٌ؟ قُلْتُ لَا. قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا هَمَّ بِالْحَسَنَةِ خَرَجَ نَفْسُهُ طَيِّبَ الرِّيحِ. فَقَالَ صَاحِبُ الْيَمِينِ لِصَاحِبِ الشِّمَالِ قُمْ فَإِنَّهُ قَدْ هَمَّ بِالْحَسَنَةِ فَإِذَا فَعَلَهَا كَانَ لِسَانُهُ قَلَمَهُ وَرِيقَهُ مِدَادَهُ فَأَثْبَتَهَا لَهُ وَإِذَا هَمَّ بِالسَّيِّئَةِ خَرَجَ نَفْسُهُ مُنْتِنَ الرِّيحِ فَيَقُولُ صَاحِبُ الشِّمَالِ لِصَاحِبِ الْيَمِينِ قُمْ فَإِنَّهُ قَدْ هَمَّ بِالسَّيِّئَةِ فَإِذَا هُوَ فَعَلَهَا كَانَ لِسَانُهُ قَلَمَهُ وَرِيقَهُ مِدَادَهُ فَأَثْبَتَهَا عَلَيْهِ^۲؛

عبدالله بن موسی بن جعفر عليه السلام روایت می کند که از پدرم موسی کاظم عليه السلام راجع به دو فرشته موکل بر انسان پرسیدم که وقتی انسان قصد گناه یا قصد نیک نماید می دانند؟ در پاسخ فرمود: آیا بوی مستراح و بوی عطر یکی است؟ گفتم: نه، فرمود: راستی چون بنده قصد کار خوب کند، نفس او خوش بو باشد و فرشته دست راست به فرشته دست چپ گوید: برخیز، زیرا او قصد کار خوب دارد و چون آن کار خوب را انجام دهد، زبانش قلم او باشد و آب دهانش مداد او و آن را برای او ثبت می کند و چون قصد گناه کند از وجود او بوی

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمة العبادات، باب ۶، ح ۲۱.

۲. همان؛ باب ۷، ح ۳.

بد بلند می شود و فرشته دست چپ به فرشته دست راست می گوید: توقف کن، او قصد کار بد دارد و چون آن کار را بکند، زبانش قلم او باشد و آب دهانش مداد او و آن را برای او ثبت می کند.

از این روایت نیز می توان استفاده کرد که صرف نیت گناه، موجب ترتب عقاب نیست؛ زیرا مفهوم اینکه می فرماید «فَإِذَا هُوَ فَعَلَهَا كَانَ لِسَانُهُ قَلَمَهُ وَ رِيقُهُ مِدَادَهُ فَأُثِّبَتْهَا عَلَيْهِ» این است که اگر گناه را انجام نداد، برای او ثبت نمی شود. از این روایات نتیجه می گیریم که نه تنها دلیلی بر ترتب عقاب بر تجری و نیت سیئه صرف وجود ندارد؛ بلکه دلیل -دلیلی که ممکن است ادعای تواتر در آن بشود - وجود دارد که عقابی بر مجرد نیت گناه زمانی که مرتکب گناه نشود وجود ندارد؛ بنابراین برحسب آنچه در روایات آمده، بر تجری عقاب مترتب نیست. و از نظر عقلی نیز در گذشته بیان کردیم که از نظر عقلی نیز دلیلی بر عقاب بر تجری وجود ندارد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین